



تدوین خط مشی سازمان پارکها و فضای سبز شهری در جلب مشارکتهای مردمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۳/۳۰

احسان سپهوند

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مزرعه دانشگاه تبریز sepahvand.ehsan@yahoo.com (مسئول مکاتبات)

رسول محمدرضایی

دانشیار دانشکده اقتصاد کشاورزی دانشگاه تبریز rmrezaei@tabrizu.ac.ir

باباله حیاتی

دانشیار دانشکده اقتصاد کشاورزی دانشگاه تبریز b-hayati@tabrizu.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: سازمان پارکها و فضای سبز شهری از سازمانهای متبوع شهرداری وظیفه خطیر مطالعه، طراحی، اجرا و حفظ و نگهداری از فضای سبز شهری را عهده‌دار است. اما به نظر می‌رسد برای دستیابی به این اهداف مدیریت شهری امروز در شهرهای بزرگ دیگر قادر نخواهد بود با روش‌های سنتی و معمول گذشته در ارائه خدمات یک سویه موفقیتی حاصل کند در نتیجه به یک ابزار قوی، جامع و تنظیم کننده نیاز است تا به این تمایلات به خوبی پاسخ داده شود. محققان عقیده دارند که این ابزار قوی برنامه‌ریزی مشارکتی است بعلاوه اعتقاد بر این است که با مشارکت شهروندان در طرح‌ها می‌توان موفقیت طرح‌ها را تضمین نمود.

روش پژوهش: در این مقاله روش توصیفی با رویکرد تحقیق ارزشیابی و با استفاده از نظریات معتبر مشارکت و جهت‌دار در زمینه مدیریت شهری بحث شده و در پی آن تحلیلی فراخور با بضاعت مقاله در زمینه سبک و سیاق مشارکت مردم در عرصه فضای سبز شهری و چگونگی راه‌های سپردن امور مربوطه به ایشان، نتایج کاربردی استخراج گردیده است.

یافته‌ها: تشویق ساکنان محلات به تشکیل گروه‌های دوستدار طبیعت (همیاران سبز) و تعامل با نمایندگان سازمان پارکها و فضای سبز شهری برای در دست گرفتن امورات مربوط به فضای سبز و استفاده از مشارکت‌جویان محلات برای سرمایه‌گذاری، کار اجرایی و نگهداری از این عرصه‌ها با برنامه‌ریزی و پیشنهاد ایشان می‌تواند راهکارهایی برای بهبود کیفیت فضای سبز شود.

واژگان کلیدی: شهرداری، فضای سبز شهری، مدیریت، مشارکت

مقدمه

برای حفاظت از اکوسیستم‌های مناطق شهری، فراهم آوردن کارکردهای اکولوژیکی و پایداری توسعه انسانی، مدیریت فضای سبز در مناطق شهری به هدف بسیار مهمی تبدیل شده است (لی-یونگ^۱، ۲۰۰۳). همچنانکه محیط سالم و جمعیت سالم از پیش-زمینه‌های توسعه پایدار هستند، ارتباط غیر قابل انکاری بین انسان و محیط وجود دارد (حسینی و دیگران، ۱۳۷۸). از دیدگاه توسعه پایدار، فضای سبز با اثرات اکولوژیکی خود وظایف بسیار مهمی در خلق پایداری یک شهر ایفا می‌نماید (آلتونکاسا و اسلو^۲، ۲۰۰۴). سازمان پارکها و فضای سبز شهری از سازمان‌های متبوع شهرداری وظیفه خطیر مطالعه، طراحی، اجرا و حفظ و نگهداری از فضای سبز شهری را عهده دار است. اما به نظر می‌رسد برای دستیابی به این اهداف مدیریت شهری امروز در شهرهای بزرگ دیگر قادر نخواهد بود با روش‌های سنتی و معمول گذشته در ارائه خدمات یک سویه موفقیتی حاصل کند. اگر ما به فرضیه رشد جمعیت توجه کنیم افزایش نیاز برای زیرساخت‌ها و زیربناها امری انکار ناپذیر است که در پرتو این افزایش جمعیت، تمایل به استفاده از فضای سبز نیز افزایش می‌یابد (سپهوند و دیگران، ۱۳۸۹) در نتیجه ما به یک ابزار قوی، جامع و تنظیم کننده نیاز داریم تا به این تمایلات به خوبی پاسخ دهیم. این ابزار قوی برنامه‌ریزی مشارکتی است (ون هارن^۳، ۲۰۰۲). بر اساس قوانین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و همچنین رهیافت‌ها و راهبردهای توسعه روستایی در برنامه سوم که در آن توسعه پایدار منابع طبیعی با استفاده از مشارکت مردمی مورد تأکید قرار گرفته است که تأییدی بر این ادعاست (بی‌نام، ۱۳۷۸) همچنین در این زمینه اجلاس جهانی توسعه پایدار که سال ۲۰۰۲ در ژوهانسبورگ برگزار شد نیز اساس توسعه پایدار را اداره صحیح محیط زیست مناسب، سیاست‌های درست اقتصادی و اجتماعی نهادهای مردم‌سالار و پاسخگو به نیاز مردم، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، تساوی جنسیتی و محیطی مستعد برای سرمایه‌گذاری قلمداد کرد (بیران، ۱۳۸۲). بانک جهانی در دستورالعمل اجرایی خود عنوان می‌کند: مشارکت عنصری اساسی در پایدار نمودن برنامه‌های ارتقای سلامت است (بی‌نام، ۱۹۹۴). کارشناسان منابع توسعه معتقدند که امروزه علاوه بر منابع متداول از قبیل سرمایه، امکانات و نهادهای فیزیکی، نهاده جدیدی تحت عنوان انسان در فرآیند

توسعه نقشی بسیار مؤثر ایفاء می‌نماید. بدیهی است اگر بتوان این منابع را در طرح‌ها و برنامه‌ها دخالت مؤثر داد ضمانت بزرگی برای موفقیت و کارایی مورد انتظار این طرح‌ها و برنامه‌ها بوجود می‌آید. زمینه این حرکت نیز مشارکت مردم در مراحل و بخش‌های مختلف زایش فکر و اندیشه طراحی، اجرا، اصلاح، حفظ و نگهداری آن می‌باشد (ایران‌منش و دیگران، ۱۳۸۵). امروزه در جهان فرآیند مشارکت مردمی در سطح برنامه‌ریزی و مداخله اجرایی به مؤثرترین شکل خود رسیده است.

بیان مسئله

تعیین الگوی بهینه برای صیانت از ارزش‌های زیست‌محیطی و فضای سبز شهری در کشور نیازمند نگرش‌های توسعه‌ای مشارکتی در سطح ملی و استانی است که می‌تواند گامی بنیادین در توسعه پایدار به شمار آید (مطیع‌حق شناس، ۱۳۸۵). مشارکت در حفظ و نگهداری از فضای سبز و مناظر شهری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و می‌توان با توجه به فلسفه وجودی انسان، شهر و زندگی ضمن تقویت همیاری، ایجاد تحول و ارتقاء سطح دانش، بینش و مهارت، کنترل آسیب‌های فضای سبز توسط شهروندان نقش اساسی در روند این مهم ایفا نماید (فیاض‌مهر، ۱۳۸۵). بارها در سطح گسترده‌ای این واقعیت مورد تأکید قرار گرفته است که فضای سبز شهری در صورتی که مفهوم مشارکت مردمی در ساختار، شکل‌گیری، حفاظت و نگهداری از آن لحاظ نشود با اجتماع همزیستی نخواهد داشت. با استناد بر پژوهش‌های پیشین می‌توان دریافت که تصورات غلطی درباره مشارکت وجود دارد که بیشتر به صورت یک قاعده دولتی تصور می‌شود و اگر این ذهنیت اشتباه فرهنگ‌سازی صحیح شود باز هم امکان ورود سازمان یافته شهروندان در پذیرش مسئولیت شهری در سطوح مشارکت در اندیشه، اظهار نظر، پیشنهاد، تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی و اجرا، نظارت بر پروژه‌های شهری با موانع بسیاری مواجه است که فرصت صعود شهروندان از پلکان مشارکت را محدود می‌سازد (مصطفی‌پور، ۱۳۸۵). مشارکت و تشویق مردم برای توسعه و تقویت آن به حدی مورد توجه در جوامع جهانی است که کنفرانس جهانی اصلاحات اراضی و عمران روستایی که در سال ۱۹۷۹ توسط فائو تشکیل گردید مزیت مشخص رهیافت مشارکتی را به صورت کاملاً بسیطی تبیین نمود (ایران‌منش و دیگران، ۱۳۸۵ الف). بی‌تردید هرگونه سیاست-گذاری در توسعه فضای سبز شهری بدون در نظر گرفتن

شد. دموکراسی آتن تبلور خواست شهروندان در تعیین سرنوشت خود بود. از انباشت تجربه تاریخی بشر مشارکت در مفهوم امروزی خود متبلور شد (هالا،^۵ ۲۰۰۵). امروزه مشارکت در بستر جامعه‌ای دموکراتیک و مدنی صورتی نهادمند به خود می‌گیرد. در جامعه مدنی تشکلهای مستقل از دولت در شرایط برابر و برخوردار از اطلاعات و امکانات مساوی زمینه مشارکت افراد در امور مربوط به خودشان را فراهم می‌سازد.

تقسیم‌بندی مشارکت

هرچند که جوهره اصلی مشارکت همکاری است اما انواع آن بر حسب ملاک‌های متعددی طبقه‌بندی می‌شود که از لحاظ موضوعی، مشارکت شامل مشارکت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و از لحاظ چگونگی دخالت مردم در امور، مشارکت به مشارکت مستقیم (دموکراسی مشارکتی) و مشارکت غیرمستقیم (دموکراسی نمایندگی) تقسیم، و از لحاظ سطوح اجرایی، مشارکت شامل مشارکت محلی، مشارکت منطقه‌ای، مشارکت ملی و از لحاظ کیفیت دخالت مردم در امور شامل مشارکت ارادی و اجباری و مشارکت برانگیخته و خودانگیخته می‌گردد (پناهی و یزدان‌پناه، ۱۳۸۳).

اهمیت مشارکت مردمی

اهمیت فعالیت‌های گروهی در زمینه‌های مختلف از جمله کشاورزی، مدیریت منابع طبیعی و برنامه‌های توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه به اثبات رسیده است. توسعه ملی در کشورهای جهان سوم بیش از هر چیز به مشارکت فعال و وفاق اجتماعی مؤثر افراد وابسته است. فقدان این مشارکت زمینه برخورد و اختلاف و تضاد را در میان عملکرد بخش‌های مختلف خصوصی و عمومی جامعه فراهم می‌آورد و بخش اعظم منابع کمیاب این کشورها صرف مقابله با عوارض نامطلوب این برخوردها می‌گردد از این رو می‌بایستی هرگونه برنامه‌ریزی و تدوین خط‌مشی از طرف سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان در جهت تقویت و افزایش نقش مشارکت‌های مردمی در فرآیند توسعه، تصمیم‌گیری و واگذاری امور به ایشان باشد. مقبولیت تصمیم‌گیری‌ها در بین احاد مردم دخیل نمودن ایشان در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرا را می‌طلبد (مصطفی‌پور، ۱۳۸۵). با دستیابی به این امر دولت‌ها می‌توانند با احاله بخشی از مسئولیت خود به افراد علاوه بر دستیابی به هدف فوق فراغت بیشتری در جهت

نقش شهروندان و همچنین دیگر دست‌اندرکاران شهری نتیجه بخش نخواهد بود زیرا شهروندان که کارگزاران طرح توسعه شهری هستند می‌توانند نقش تخریبی و یا اصلاحی را در فضای سبز شهری ایفا نمایند (فیاض‌مهر، ۱۳۸۵). متأسفانه به نظر می‌رسد استفاده‌کنندگان از فضای سبز شهری نه تنها آمادگی مشارکت در امر حفظ و نگهداری از فضای سبز شهری را ندارند بلکه بسیاری از عوامل آسیب‌زای فضای سبز توسط آنان گزارش گردیده است. با اینک با توجه به هزینه‌گرافی که شهرداری برای حفظ و نگهداری از فضای سبز شهری متحمل گردیده است لزوم مشارکت شهروندان جهت همکاری در سرسبزی این شهر و جلوگیری از آسیب‌های وارده به فضای سبز شهری بیش از پیش آشکار شده است به عبارت دیگر در صورت تشویق جامعه به مشارکت در فرآیند به‌سازی محیط چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی حل‌چالش‌های مرتبط با آن بسیار کارساز خواهد بود (سپهوند و دیگران، ۱۳۸۹).

فایده و هدف پژوهش

هدف این پژوهش تدوین خط‌مشی سازمان پارکها و فضای سبز شهری در جلب مشارکت‌های مردمی است.

ادبیات پژوهش

تعاریف مشارکت شهروندان

کمیسیون اسکفینگتون^۴ در بریتانیا، مشارکت شهروندان را چنین تعریف می‌کند: مشارکت به نظر ما سهیم شدن مردم در تدوین سیاست‌ها و پیشنهادهاست. دادن اطلاعات از طرف مسئولان و امکان اظهار نظر در مورد آن اطلاعات بخش مهمی از فرآیند مشارکت به حساب می‌آید اما این مطلب تمام ماجرا نیست. مشارکت کامل تنها در جایی تحقق می‌یابد که مردم بتوانند نقش فعال در فرآیند تهیه طرح عهده‌گیرند (برک‌پو، ۱۳۷۷). از نظر بانک جهانی مشارکت فرآیندی است که از طریق آن بهره‌وران کنترل خود را بر روند برنامه‌های توسعه و تصمیمات و منابعی که مرتبط با برنامه است با هم تقسیم می‌کنند.

سیر تاریخی مشارکت

تاریخ حیات انسان تاریخ همکاری و مشارکت است. زمانی که نخستین بار انسان دریافت که می‌تواند با تجمیع توان خود بر مشکلات فائق آید مشارکت زاده

می‌گیرد. بنابراین نظریه یک قالب خاص برای مشارکت وجود ندارد (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰). سطوح گردونه اسکات دیویدسون عبارتند از: اطلاع‌رسانی، مشاوره، مشارکت و مقتدرسازی. نظریه مشارکت جان ترنر^۹

در فرآیند تحول نظریات مربوط به نقش مردم و دولت در امر توسعه که توسط سازمان ملل متحد و کارشناسان آن سازمان نظریه پردازی شده‌است به تشکیل سازمان‌های محلی توسط اجتماعات محلی تأکید شده‌است تا این سازمانهای غیردولتی محلی نقش فعالی در توسعه و اداره امور محلی بر عهده گیرند. جان ترنر از متخصصان و کارشناسان سازمان ملل متحد در امور مشارکت‌های مردمی نظریات عمده‌ای در این باب ارائه نموده‌است. وی با کارهای تحقیقاتی میدانی وسیع و نظریه‌پردازی‌های عمیق خود انواع مشارکت را به طور اصولی و علمی طبقه‌بندی کرده است. تحقیقات ترنر نشان می‌دهد که هنگامی دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت می‌کند که هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی توان و امکانات آن نیز از دست می‌رود (مطوف، ۱۳۸۲).

نظریه مشارکت جیمز میجلی^{۱۰} میجلی بر اساس پاسخ دولت‌ها به مشارکت آن را به سه نوع تقسیم می‌کند:

الف) شیوه ضد‌مشارکتی: این عقیده معتقد به سرکوب مشارکت توده‌هاست. حکومت اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آن تعارض پیدا کند نمی‌دهند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳).

برنامه‌ریزی داشته باشد و نیز نقش خود را از اجراء تنها به نظارت محدود نماید. برای نیل به این هدف راه حل منطقی همانا مداخله و مشارکت دادن مردم در اجراء و در واقع سپردن کارها به مردم و استفاده از توان اجرایی و اقتصادی آنان است (یعقوبی و همکاران، ۱۳۸۶).

نظریه‌های شهرسازی مشارکتی

نه نظریه اصلی در این بخش عنوان می‌شود، ملاک برای انتخاب این نظریه‌ها نوآوری، ارتباط با موضوع همچنین تأثیرگذاری بر نظریه‌های بعدی است.

نظریه شری ارنشتاین^۶

نردبان مشارکت شهروندان توسط شری ارنشتاین (۱۹۶۹) تدوین گردید. او یک توپولوژی از نحوه مشارکت شهروندان ارائه نمود. با توجه به جدول (۱) دو پله اول نشان دهنده فقدان توان شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی است. پله‌های سوم، چهارم و پنجم نشانگر سطح مشارکت اندک^۷ و پله‌های هفتم و هشتم نشانگر تسلط شهروندان است. در عین حال یک برنامه مشارکت عامه که به خوبی طراحی شده باشد برای صعود به پله‌های بالایی نردبان ارنشتاین می‌بایست بر دانسته و مهارت‌های مردم بومی تکیه کنند. این مسئله باعث می‌شود که پایگاهی برای دریافت دیدگاه‌های گوناگون در زمینه مسائل، نیازها، اولویت‌ها و مقتضیات طرح ایجاد شود.

نظریه اسکات دیویدسون^۸

اسکات دیویدسون در سال ۱۹۹۸، گردونه مشارکت را در ارتباط با مشارکت شهروندان ارائه نمود. این گردونه سطوح مختلفی از مشارکت را بدون مشخص نمودن رجحان نمایش داده است. ایشان عقیده دارد که تصمیم‌گیری در تعاملی مستمر بین دولت و شهروندان صورت

جدول ۱: طبقه‌بندی مشارکت از دید ارنشتاین

۸	تسلط شهروندان	
۷	تسلط وکالتی (تفویض شده)	تسلط شهروندان
۶	شراکت	
۵	تسکین دادن	
۴	مشاوره نمودن	مشارکت اندک
۳	اطلاع‌رسانی	
۲	درمان	محرومیت از مشارکت
۱	تمارض (ریا)	

مأخذ (شری ارنشتاین، ۱۹۶۹)

۳- مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم‌گیری دارند (حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۴).

طیف پنج مرحله‌ای بنیاد روونتری^{۱۴} انگلستان (رهنمودهایی به مشارکت فعال)

این طیف پنج مرحله را از حالت مشارکت غیرفعال تا مشارکت فعال در تصمیم‌گیری و اداره امور نشان می‌دهد. با استفاده از این طیف می‌توان میزان مشارکت فعال را سنجید.

الف) اطلاعات: صرفاً به مردم گفته می‌شود که چه طرحی تهیه شده است.

ب) مشاوره و نظرخواهی: چند گزینه به مردم پیشنهاد می‌شود نظرات آنها شنیده ولی هیچ ایده جدیدی پذیرفته نیست.

ج) تصمیم‌گیری با یکدیگر: تشویق و حمایت از ایده‌های جدید و فراهم آوردن فرصت‌هایی برای تصمیم‌گیری جمعی

د) اقدام جمعی: افراد با منابع متفاوت در مورد اینکه چه چیزی خوب است تصمیم می‌گیرند و همکاری را به منظور انجام آن شکل می‌دهند

ه) حمایت از منافع مستقل جامعه: به‌وسیله گروه‌های محلی یا سازمان‌هایی که سرمایه، ابزار و یا دیگر حمایت‌ها را به منظور اجرای وظایفشان تحت خطوط راهنما فراهم نموده‌اند (سید بکایی، ۱۳۷۸).

پریتی^{۱۵} و کورن وال^{۱۶}

پریتی (۱۹۹۴) و کورن‌وال (۱۹۹۶) هفت سطح از مشارکت را ارائه نموده‌اند که در شکل (۴) چگونگی آن مشاهده می‌شود. با توجه به جدول (۲) خود انگیختگی در بالاترین سطح مشارکت قرار گرفته است که در تعریف آن اینگونه عنوان می‌شود: مردم خود مبتکر پروژه بوده، جهت منابع و کمک‌های فنی با نهادهای دیگر تماس می‌گیرند لیکن کنترل منابع پروژه را همچنان در دست خود حفظ می‌نمایند. در آخرین سطح جدول نیز پایین‌ترین سطح مشارکت فریب‌صوری نام‌گذاری شده است که در تعریف آن اینگونه است: به مردم گفته می‌شود که چه چیزی انجام خواهد شد بدون این‌که نظرات آنها خواسته شده و یا قدرتی در تغییر امور داشته باشند (حناچی، ۱۳۷۸).

ب) شیوه مشارکت هدایت شده: در این شیوه دولت از مشارکت اجتماعات محلی همراه با انگیزه‌های پنهانی حمایت می‌کند. مشارکت اجتماع محلی، در این شیوه، به منظور کنترل سیاسی- اجتماعی، با علم به این که مشارکت، اجرای طرح را تسهیل می‌کند به کار می‌رود. در مجموع دولت‌ها با بهره‌گیری از شیوه‌های مشارکت هدایت شده اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

۱- استفاده ابزاری از مشارکت برای اجرای طرح‌های عمرانی

۲- کنترل جنبش‌ها و اجتماعات محلی

۳- استفاده از جاذبه‌های مشارکت برای کسب مشروعیت سیاسی- اجتماعی (حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۴).

ج) شیوه مشارکت فزاینده: در این شیوه دولت، به طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد سازوکارهایی برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمام زمینه‌ها تلاش می‌کند. در این شیوه مشارکتی دولت، علاوه بر ایجاد نهادهای اصیل محلی، متعهد به فعالیت‌های مشارکتی از طریق آموزش و تقویت اجتماعات محلی، تدارک مواد و دیگر اشکال کمک و نیز ایجاد هماهنگی در تصمیمات مرکزی و منطقه‌ای و محلی می‌باشد (میجلی و همکاران^{۱۱}، ۱۹۸۶).
نظریه میانجی‌گری^{۱۲}

این نظریه که در سال ۲۰۰۴ در فضای فرهنگی ایتالیا مطرح شده و آن‌چه به آن تأکید فراوانی شده تفاوت قائل شدن میان مشارکت عمومی و مشاوره عمومی با برنامه‌ریزی مشارکتی و حرکت به سوی برنامه‌ریزی مشارکتی مبتنی بر اصول اساسی میانجی‌گری است (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴).

نظریه دیوید دریسکل^{۱۳}

دریسکل در اثر خود در سال ۲۰۰۲، شهرهایی بهتر با کودکان و نوجوانان (راهنمایی برای مشارکت) که توسط یونسکو به چاپ رسیده مباحثی در رابطه با مشارکت و انواع آن طرح می‌کند.

وی معتقد است مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است:

۱- توسعه در وهله اول و پیش از همه باید به نفع ساکنان محلی باشد.

۲- مردمی که در محدوده برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند دقیق‌ترین اطلاعات را درباره آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند

جدول ۲ جمع بندی دیدگاه پریستی و کورن وال؛

مردم خود مبتکر پروژه بوده جهت منابع و کمک‌های فنی با نهادهای دیگر تماس می‌گیرند لیکن کنترل منابع پروژه را همچنان در دست خود حفظ می‌نمایند.	خود انگیزتگی
مبتکر پروژه یک نهاد خارجی است که در ارتباط با مردم محلی فعالیت می‌نماید. مشارکت به عنوان یک حق شهروندی تلقی نشده تنها وسیله‌ای جهت رسیدن به اهداف پروژه نمی‌باشد. مردم در تحلیل مسائل، تدوین برنامه‌های اجرایی و تشکیل نهادهای اجرایی و مدیریتی مشارکت می‌نمایند. لذا مردم تأثیر زیادی بر نحوه استفاده از منابع دارند.	مشارکت تعاملی
مشارکت از سوی نهاد خارجی به‌عنوان وسیله‌ای جهت تحقق پروژه، بخصوص کاهش هزینه‌ها از طریق ارائه نیروی کار و مدیریت رایگان تلقی می‌شود. برای مثال مردم بعد از این‌که تصمیمات مهم از سوی نهاد خارجی گرفته شده و اهداف پروژه مشخص می‌شوند. جهت تحقق اهداف تعیین شده مشارکت می‌کنند. نهایتاً در چنین شیوه مشارکتی، مردم در جذب اهداف مورد نیاز نهاد خارجی اهداف خود دست می‌کشند.	مشارکت عملکردی
مردم تنها به واکنش نسبت به انگیزه‌های مادی مشارکت می‌نمایند (مثلاً در مقابل عرضه کار، پول و یا غذا دریافت نمایند).	مشارکت به خاطر انگیزه‌های مادی
نظرات مردم به منظور تعیین نیازها و اولویت‌هایشان گرفته می‌شود لیکن میزان جمع‌آوری اطلاعات و کنترل تحلیل-ها بوسیله نهاد خارجی از طریق تشخیص مسئله و راه‌حل‌های مورد نظر معین می‌شود.	اطلاعات دهی و مشورت کردن
به مردم گفته می‌شود که چه چیزی انجام خواهد شد بدون این‌که نظرات آنها خواسته شده و یا قدرتی در تغییر امور داشته باشند.	مشارکت انفعالی
تظاهر به مشارکت است که انجام می‌پذیرد. بعنوان مثال نمایندگانی در هیئت‌های رسمی گماشته می‌شوند بدون اینکه این افراد انتخاب شده و یا قدرتی داشته باشند.	فریب صوری

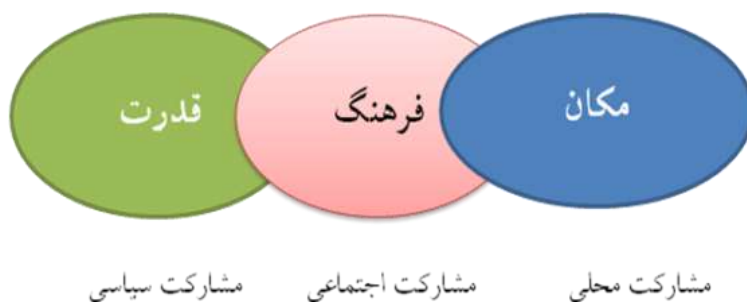
مأخذ (حناچی، ۱۳۷۸)

سیاسی، قدرت، مشارکت اجتماعی، فرهنگ، و مشارکت محلی، مکان است (شکل ۱).

عوامل مؤثر در مشارکت مردم اگر مشارکت را انگیزه و تلاشی داوطلبانه برای توأم کردن یا تلفیق توان افراد برای حل مشکلات مشترک بدانیم این انگیزه به دلایل زیر توسط فرد یا گروه در قالب مشارکت به انجام می‌رسد.

۱- کسب اطلاع درباره مواردی که فرد نسبت به آن احساس کمبود می‌کند؛

سطح بندی مشارکت مردم حبیبی و رضوانی (۱۳۸۴) مشارکت مردم در اداره امور محلی خویش را سه سطح در نظر گرفتند. مشارکت سیاسی بالاترین سطح قدرت و اختیار را دارد و اغلب تصمیمات در این سطح کلی و کلان است. مشارکت شهری و محلی سطح پایین قدرت است و تصمیمات در این سطح اجرایی و عملیاتی است. مقیاس مشارکت سیاسی، کلان، مشارکت اجتماعی، عمدتاً میانی و گاه خرد و مشارکت محلی، خرد است. قلمروهای هر یک از انواع مشارکت نیز با هم متفاوت است. با این حال این قلمروها با هم اشتراکاتی نیز دارند. قلمرو اصلی مشارکت



شکل ۱. تمایز انواع مشارکت بر حسب قلمرو فعالیت؛ مأخذ: حبیبی و رضوانی (۱۳۸۴)

- ۲- انتقال پیام یا اطلاعات لازم از طریق افراد به افراد دیگر؛
- ۳- رفع ابهام و تبیین واقعیت‌ها؛
- ۴- جلب همکاری فرد یا گروه؛
- ۵- فراهم آوردن رضایت افراد برای همکاری با یکدیگر
- ۶- تصمیم‌گیری گروهی با دیگران؛
- ۷- تقسیم سود یا زیان ناشی از فعالیت گروهی و پذیرش؛
- ۸- حفظ حقوق خود و دیگران (علم بیگی و همکاری به نقل از اوکلی، ۱۷، ۱۳۸۸).

روش پژوهش

در این مقاله با استفاده از روش توصیفی با رویکرد تحقیق ارزشیابی و با استفاده از نظریات معتبر مشارکتی و جهت‌دار در زمینه مدیریت شهری بحث شده و در پی آن تحلیلی فراخور با بضاعت مقاله در زمینه سبک و سیاق مشارکت مردم در عرصه فضای سبز شهری و چگونگی راه‌های سپردن امور مربوطه به ایشان، نتایج کاربردی استخراج گردیده است.

نتیجه‌گیری

در باب اهمیت وجود فضای سبز شهری محققان، کارشناسان کشاورزی و محیط‌زیست همچنین پزشکان مقالات متعددی را منتشر کرده‌اند. برخی از پژوهشگران به تعبیری فضای سبز شهری را مصداق ریه شهرها دانسته‌اند. برهمگان نقش‌هایی که این عرصه‌ها می‌توانند برای اجتماع شهرنشین فراهم کنند آشکار است مواردی از قبیل: کاهش انواع آلودگی‌ها، جذب روان آب‌های سطحی، محل بازی کودکان، مأمّن سالمندان، کارکردهای اقتصادی، مکانی برای جلوگیری از هم‌گسیختگی‌های اجتماعی، وجود ساختمانهای فرهنگی هنری و کتابخانه‌ها در این مکان‌ها، تولید میلیون‌ها تن اکسیژن و تزریق آن به هوای بیمار شهرها و مکانی برای تنوع ژنتیکی گیاهان و حیوانات همگی بخش‌های کوچکی از مزایای این عرصه‌های انسان ساخت هستند. متأسفانه با وجود حیاتی بودن نقش فضای سبز شهری به دلیل افزایش روز افزون جمعیت شهرنشینی و گسترش آلودگی‌های صنعتی شهرها شهرداری‌ها توان همساز کردن حجم جمعیت را با فضای سبز شهری ندارند. آمارها نشان می‌دهد اغلب شهرهای ایران دارای سرانه فضای سبز کمتر از میزان استاندارد جهانی اعلام شده هستند. در این راه به نظر می‌رسد تنها راه خروج از این

بحران درگیر کردن ذهنی- فیزیکی شهروندان در طراحی، احداث، راه اندازی و نگهداری فضای سبز شهری باشد؛ زیرا ایشان استفاده‌کنندگان اصلی این عرصه‌ها هستند و می‌توانند نقش تخریبی و یا اصلاحی ایفاء نمایند لاجرم درگیر کردن آنها در این طرح‌ها باعث مشروعیت بخشیدن و ضمانت اجرای طرح‌ها خواهد شد. در این خصوص می‌توان مشارکت‌های مردمی را به چند دسته طبقه‌بندی نمود.

- ۱- مشارکت مالی
 - ۲- مشارکت در امور فنی و طراحی
 - ۳- مشارکت در ساخت
 - ۴- مشارکت در حفظ و نگهداری
- پژوهش‌های پیشین در زمینه مشارکت شهروندان در شهرسازی به ویژه فضای سبز شهری نشان داده که شهروندان به زمینه‌های مختلف مشارکت علاقه‌مند هستند (سپهوند و همکاران، ۱۳۸۹). عده‌ای علاقه‌مند به صرف هزینه و ممکن است عده‌ای دیگر برای مشارکت در کاشت فضای سبز راغب باشند. اینجاست که نقش مدیریتی شهرداری با تولیت فضای سبز جهت سامان بخشیدن و استفاده بهینه از توان بالقوه مشارکت‌جویان نمود پیدا کرده و برابر با توان مدیریتی و به تبع آن برنامه‌ریزی مشارکتی از این توان بالقوه بهره خواهد برد. برای تدوین خط‌مشی مشارکتی سازمان پارکها و فضای سبز شهری، منظور نمودن سیاست‌های کاری ذیل پیشنهاد می‌شود:

پیشنهادات

- ۱- با توجه به رهیافت‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند؛ مشارکت‌های مردمی در فضای سبز شهری نوعی مشارکت اجتماعی مستقیم، خود انگیخته با سطح اجرایی محلی ارزیابی می‌شود. این نوع مشارکت می‌بایست با تسلط شهروندان صورت گرفته و به اقتضای نوع و دسته‌بندی مشارکت مورد نیاز، از بالاترین سطوح مراحل اطلاع‌رسانی، مقتدرسازی، مشاوره و مشارکت استفاده شود. به عبارتی از دیدگاه دریسکل شکل سهیم شدن در تصمیمات و در قالب تصمیم‌گیری با یکدیگر، اقدام جمعی و حمایت از منافع مستقل جامعه و به شکل کاملاً خود انگیخته صورت پذیرد.
- ۲- تشویق ساکنان محلات به تشکیل گروه‌های دوستدار طبیعت (همیاران سبز) و تعامل با نمایندگان سازمان پارکها و فضای سبز شهری به

هستند و می‌توانند علاوه بر فراهم آوردن خدمات زیست محیطی موجب زیباسازی محلات شوند. در این زمینه سازمان پارکها و فضای سبز شهری در تاریخ‌های خاص مانند روز درختکاری می‌بایست توان خود را برای اهداء گل و گیاهان به شهروندان به‌کار ببرد. با کاشت درختان در محیط منازل شهرداری به سرانه مطلوب فضای سبز نزدیک شده و با ادامه روند نگهداری این مواضع توسط شهروندان، از هزینه‌های جاری شهرداری کاسته خواهد شد.

منابع و ماخذ

ازکیا، مصطفی. غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی. نشرنی. تهران.

ایران منش، یعقوب. جهانبازی، حسن. طالبی، محمود. (۱۳۸۵) الف. نقش آموزه‌های مذهبی در فرهنگ‌سازی توسعه فضای سبز شهری. مجموعه مقالات دومین همایش ملی فضای سبز شهری. تبریز.

ایران منش، یعقوب. جهانبازی، حسن. مردانی بلداجی، ابراهیم. (۱۳۸۵) ب. نقش مشارکت مردمی در توسعه فضای سبز شهری: بررسی علل موفقیت کشور چین در جلب مشارکتهای مردمی در زمینه حفظ و توسعه فضای سبز شهری. مجموعه مقالات دومین همایش ملی فضای سبز شهری. تبریز.

بهران، صدیقه. (۱۳۸۲). سازمان ملل متحد (برنامه اجرایی ژوهانسبورگ ۲۰۰۲). سند اجلاس جهانی توسعه پایدار. انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست. تهران.

پناهی، محمدحسین. یزدان‌پناه، لیلا. (۱۳۸۳). اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی، مجله جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی. شماره ۲۶.

حبیبی، سیدمحسن. سعیدی‌رضوانی، هادی. (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده معماری. دانشگاه تهران. تهران.

حسینی، سیده‌وحیده. انوشه، منیره. احمدی، فضل‌اله. (۱۳۷۸). بررسی تأثیر مشارکت نوجوانان بر جمع‌آوری و دفع بهداشتی زباله توسط خانواده‌ها. نشریه دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران (دو ماهنامه پرستاری ایران). دوره ۲۱ (۵۵).

حناچی، سیمین. (۱۳۷۸). شهرسازی مشارکتی: مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت شهری UMP. سازمان پارکها و فضای سبز. تهران.

نماینده‌گی از ساکنان محله برای در دست گرفتن امورات مربوط به فضای سبز

۳- بنابر نظریه دریسکل بایستی بیشترین بازده طرح بایستی به نفع ساکنان محلی باشد و ایشان بیشترین اطلاعات را در زمینه طرح‌ها و مسایل مرتبط با آن دارند بنابراین تشکیل جلسات با گروه‌های همیاران سبز برای طراحی پارکهای محله، تعیین نوع گیاهان و درختان زینتی به‌کار رفته همچنین نامگذاری پارک‌ها توسط ساکنان محلی و امکان کسب درآمد فضای سبز شهری برای صرف در زمینه بهبود فضای سبز محلات در این عرصه‌ها برای جلب مشارکت مردمی عنصری ضروری به نظر می‌رسد.

۴- استفاده از مشارکت‌جویان محلات برای سرمایه‌گذاری، کار اجرایی و نگهداری از فضای سبز با برنامه‌ریزی و پیشنهاد گروه‌های همیاران سبز و ادواری کردن مشارکت ساکنان محل برای امور اجرایی پارک‌ها می‌تواند راهکاری برای بهبود کیفیت فضای سبز شده و به ساکنان محلات احساس مالکیت این عرصه‌ها را بدهد.

۵- یکی از اقشار دوستدار طبیعت سالمندان و بازنشستگان هستند که به اقتضای موقعیت سنی و زمان مازاد خود بسیار علاقه‌مند به انجام امور عملیاتی نگهداری از فضای سبز شهری از قبیل آبیاری، هرس، وجین و کاشت گلهای فصلی هستند. بنابراین از وظایف مدیریت فضای سبز ایجاد شرایط مناسب برای بهره بردن از توان بالقوه قشر کهنسال شهر است لذا پیشنهاد بر این است همیاران سبز بیشتر از میان ایشان انتخاب گردند.

۶- یکی از دغدغه‌های نیمی از بافت جمعیتی جامعه یعنی بانوان، فقدان امنیت لازم تفریح و ورزش کردن در پارکهاست. ایجاد فضای سبز مخصوص برای استفاده بانوان محلات از راهکارهای تضمین مشارکت این بافت جمعیتی تشکیل دهنده محلات است.

۷- از آموزش به عنوان زمینه افزایش توانمندی شهروندان یاد می‌شود بنابراین سازمان پارکها بایستی بکوشد با برگزاری کلاس‌های آموزشی پرورش گل و گیاه در پارکها برای آموزش ساکنان محلات پیش زمینه‌های مشارکت شهروندان را در زمینه فضای سبز شهری محیا سازد.

۸- درب منازل محل خوبی جهت کاشت درختان

- سپهوند، احسان. محمدرضایی، رسول. حیاتی، باباله. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در حفظ و نگهداری از فضای سبز شهری. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه اقتصاد کشاورزی. دانشگاه کشاورزی. دانشگاه تبریز.
- سعیدی رضوانی، هادی. (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی. مطالعه موردی قلعه آبکوه مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه شهرسازی. دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
- سیدبکایی، سیدجواد. (۱۳۷۸). شناخت و تحلیل نقش عنصر مشارکت در روند بهسازی بافت‌های فرسوده شهری. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- شریفیان ثانی، مریم. (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی حکم-روایی شهری و مدیریت شهری. فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۸.
- شمسایی، ابراهیم. (۱۳۸۰). تحلیلی بر جایگاه NGO ها در بهینه سازی مصرف آب کشاورزی، مجموعه مقالات اولین همایش مقابله با بحران آب کشور. دانشگاه زابل. طوفان، سحر. (۱۳۸۶). شهروند- هویت- منظر شهری. ماهنامه پیام سبز. سال ششم. شماره ۵۸.
- علم بیگی، امیر. ظریفیان، شاپور. آقاپور، شهلا. (۱۳۸۸). تعیین عوامل مؤثر بر نگرش دامداران عضو تعاونی گاوآران شهرستان همدان به مشارکت در تشکیل و اداره سازمان‌های کشاورزان. مجله تحقیقات اقتصاد توسعه کشاورزی ایران. دوره ۴۰. شماره ۱.
- فیاض مهر، علی. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر نقش و جایگاه فضای سبز شهری در طرح‌های توسعه شهری. مجموعه مقالات دومین همایش ملی فضای سبز شهری. تبریز. مصطفی پور، کامبیز. (۱۳۸۵). موانع مشارکت شهروندان در اداره شهر و محله. مجموعه مقالات دومین همایش ملی فضای سبز شهری. تبریز.
- مطوف، شریف. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی، توسعه و مشارکت مردم. پگاه حوزه. شماره ۱۰۷.
- مطیع حق شناس، نادر. (۱۳۸۵). نقش مشارکت‌های مردمی و فرهنگ‌سازی در توسعه فضای سبز شهری. مجموعه مقالات دومین همایش ملی فضای سبز شهری. تبریز.

یادداشت‌ها

¹ Lay Ong

² Altunkasa and Uslou

³ Von Haaren

⁴ Skeffington

⁵ Halla

-
- ⁶ Sherry Arnstein
 - ⁷ Tokenism
 - ⁸ Scott Davidson
 - ⁹ John Turner
 - ¹⁰ James Midgley
 - ¹¹ Midgley et al
 - ¹² Mediation
 - ¹³ David Driskell
 - ¹⁴ Rowentree
 - ¹⁵ Preity
 - ¹⁶ Oakley